



یادداشت

رهایی از فقر و فلاکت و استبداد وظیفه خود مردم است

صادق کار



علیرغم وعده‌های مکرر دولت و مبلغ کالا برگ الکترونیک در خرداد افزایش نمی‌یابد، " در خبرها آمده بود مجلس، مبلغ کالا برگ الکترونیک در خردادماه افزایش نمی‌یابد و همان یک میلیون تومان به ازای هر نفر است".

عدم افزایش مبلغ ناچیز کالا برگ یک روز بعد از آن اعلام شد، که خبر افزایش دوبرابر شدن قیمت نان در رسانه منتشر شد و همزمان با آن خبر افزایش شدید تورم بویژه تورم مواد غذایی توسط اداره آمار منتشر شد.

۲۶۶ درصد، گوشت ۸۰ درصد عبور کرد تورم نقطه‌ای روغن؛ تورم نقطه به نقطه در اردیبهشت از
۱۶ صد ۱۷۵ درصد و شیر و پنیر و تخم مرغ؛ قرمز؛

۱۴۰۵ شاخص قیمت مصرف کننده خانوارهای کشور به مرکز آمار ایران اعلام کرد: اردیبهشت ماه ۸۲.۹ درصد ۸.۸ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۶۱۹.۶ رسیده که نسبت به ماه قبل، عدد ۵۷.۷ درصد افزایش داشته ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل، افزایش و در "است

از سوی دیگر مقامات دولتی اعلام کردند حقوق بازنشستگان که قرار بود با دوماه تاخیر در پایان خرداد افزایش داده شود، افزایش داده نشد و معلوم نکردند چه وقت می خواهند آن را پرداخت کنند.

افزایش دستمزد سالانه کارگران که در پایان اسفند سال گذشته در شورای عالی کار تصویب شده بود نیز در اکثر شرکتهای تولیدی، خدماتی و پیمانکاری ها به رغم افزایش تورم لجام گسیخته پرداخت نمی شود

دولت برای اینکه از دامنه اعتراضات نسبت به شرایطی که جان مردم را به لب رسانده کم کند، کوشش کرد با دادن وعده‌های کاذب نظیر افزایش قیمت کالا برگ، مردم را به گرسنگی بیشتر عادت داده و وضعیت را تثبیت کند. اکنون با این تصور باطل که گویا وضعیت را جا انداخته است از وعده افزایش قیمت کالا برگ نیز طفره می رود. این در حالی است که وضعیت معیشتی ده‌ها میلیون نفر از مردم فاجعه بار و غیر قابل تحمل شده است.



این البته شگرد تازه‌ای نیست. روشی است که اکثر دولتها در جمهوری اسلامی سالها از آن استفاده کرده و با کمک سرکوب و استبداد اهداف خود را به خورد جامعه داده‌اند. در این میان اما دولت پزشکیان گوی سبقت را از دیگران ربوده است و نشان داده است که پر کردن کیسه سرمایه‌داران به قیمت خالی نگه داشتن شکم مردم برایش اولویت دارد.

این نه اتهام است و نه فاقد دلیل. برای مستند کردن این ادعا کافی است به سیاستها، تصمیمات و عملکرد دولت رجوع کنیم. پزشکیان البته رویکردهای ضد اجتماعی خودش را به تنهایی پیش نبرده و نمی برد، اکثریت حکومت حتی آن بخشی که تظاهر به عدالتخواهی می کند از سیاستهای "نئولیبرالی" حمایت می نماید. کما اینکه اکثریت وزرا و مدیران ارشد دولت از میان طیف های محافظه کار و دست راستی هستند. اختلاف آنها با دولت بر سر امور اقتصادی نیست بر سر حد و حدود محدودیت های فرهنگی و سیاسی است. واقعیت این است که هم سیاستهای افراطی تر جریان معتقد به استبداد و سرکوب حداکثری و هم سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی دولت پزشکیان هر دو منشا نارضایتی و اعتراض مردم هستند به همین دلیل بی جهت نیست، که هنگام گسترش اعتراضات به راه حل مشترک که سرکوب است ختم می شود و با هم به وفاق می رسند. کما اینکه در هنگام جنبش دی ماه نتیجه این وفاق را مردم در عمل به وضوح مشاهده کردند. سکوت پزشکیان و جریانات موسوم به اصلاح طلب نسبت به اعدامهای همه روزه و دستگیری ها و سرکوبها و همچنین نسبت به سیاستهای اقتصادرادی - اجتماعی دولت حاکی از همداستانی هر دو جریان صاحب قدرت هستند. درست بهمین خاطر است که هیچ کدام از دو جناح غالب قادر به کسب حمایت مردمی جدی نیستند.

با اینکه برخی اقتصاد دانان مستقل وجود مناسبات نئولیبرالی را در ایران رد می کنند، با این حال دستکم تا آنجا که به مناسبات میان کار و سرمایه بر میگردد، مناسبات موجود نعل به نعل پیروی از مناسبات شناخته شده نئولیبرالی در جهان است که با شیوه های به مراتب خشن تری توسط دولت پزشکیان و با حمایت همه ی جناح های شریک در قدرت و ثروت چهار نعل در حال تاخت است. با این تفاوت که همان اندازه از "دمکراسی" را که در تعدادی از این کشورها وجود دارد را نیز بر نمی تابد.

با این همه لافل بخشی از تقصیر این وضعیت به خود ما مردم و کارگران بر می گردد که به خطا تصور می کنیم با شکوه و شکایت بدون پشتوانه به همان مقامات و نهادهایی که ما را به فقر و فلاکت کشانده‌اند و حقوق مان را از بین برده و می برند، می توانیم به خواسته هایمان برسیم. تا زمانی که ما به این نتیجه نرسیم که کسی به غیر از خود ما نمی تواند از حقوق ما حمایت کند و برای پیشرفت در این راه نیاز به اتحاد و همبستگی و متشکل شدن داریم روزگار مان در هر رژیمی. اگر سال به سال بدتر نشود، بهتر نخواهد شد. رهایی از فقر و فلاکت و استبداد وظیفه خود مردم است. به قول معروف کس نخارد پشت من، جز سرانگشتان من

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!



فقر و نابرابری - بخش هفتم

Vision IAS، "برگرفته از "خدمات اداری هند



سری خانه های مقاوم در روستایی در هند

"خدمات اداری هند"

1.6 برنامه های کاهش فقر: یک ارزیابی انتقادی

با توجه به ماهیت چندبعدی فقر، طرحها و برنامه های گوناگونی برای مقابله با جنبه های مختلف آن اجرا شده اند. این برنامه ها نتایج مثبتی به همراه داشته اند که در شاخصهای زیر آشکارا دیده می‌شوند:

- نسبت افرادی که در هند با فقر چندبعدی مواجه اند، از 55.1 درصد در سالهای 2005-2006 به 16.4 درصد در سالهای 2019-2021 کاهش یافته است.
- میزان کلی رشد ناقص (کوتاه قدی) ناشی از سوء تغذیه در هند از 48 درصد در سالهای 2005-2006 به 38 درصد در سالهای 2015-2016 و سپس به 35.5 درصد در سال 2019-2020 کاهش یافته است.
- (هند از 72,805 روپیه در سال 2014-2015 به 98,374 روپیه در سال NNI درآمد خالص ملی سرانه) 2022-2023 افزایش یافته است.
- (*در مناطق شهری و روستایی هند به طور چشمگیری Pucca Houses درصد خانه های بادوام) افزایش یافته است. در مناطق شهری، این نسبت از حدود 92 درصد در سال 2008-2009 به حدود 96 درصد در سال 2020-2021 رسیده است. در مناطق روستایی نیز سهم خانه های بادوام از حدود 55 درصد در سال 2008-2009 به حدود 77 درصد در سال 2020-2021 افزایش یافته است.

با این حال، علیرغم ابتکارات و اقدامات گوناگون، فقر، گرسنگی، سوء تغذیه، بیسوادی و کمبود امکانات و خدمات اساسی همچنان در بسیاری از مناطق هند پدیده هایی رایج اند. گرچه برنامه های کاهش فقر از زمان استقلال هند به تدریج تکامل یافته اند، اما از نظر ایجاد تغییر در مالکیت داراییها، فرایند تولید و بهبود امکانات پایه برای اقشار نیازمند، تحول بنیادینی در ماهیت این برنامه ها مشاهده نمی‌شود.

مهمترین عوامل نگران کننده که مانع اجرای موفق این برنامه ها می‌شوند، عبارت اند از:



- توزیع نابرابر زمین و سایر داراییها که باعث می‌شود منافع حاصل از برنامه های مستقیم کاهش فقر به میزان محدودی به دست گروه‌های فقیر و نابرخوردار برسند.
- در مقایسه با گستردگی فقر، منابع مالی تخصیص یافته به این برنامه ها کافی نیستند. علاوه بر این، اضمحلال و هرز منابع و مشکلات گسترده در اجرای برنامه ها مانع دستیابی به نتایج مورد انتظار می‌شود.
- همچنین سیاستهای دولت در رسیدگی به نیازهای اکثریت عظیم افراد آسیب پذیری که در سطح خط فقر یا اندکی بالاتر از آن زندگی می‌کنند، ناکافی بوده اند.

1.7 مسیر پیش رو

با نگاهی به مجموعه تجربیاتی که شرح شان گذشت، می توان گفت که دولت برای اجرای مؤثرتر برنامه های جاری باید به تلاشها و اقدامات زیر دست بزند:

- تخصیص منابع کافی برای مقابله با فقر؛
- ارائه آموزش مناسب و مشوقهای لازم به کارکنانی که مسئول اجرای این برنامه ها هستند؛
- تضمین مشارکت دولتها و نهادهای محلی؛
- تضمین مشارکت فعال تهیدستان در این برنامه ها.

(Pucca Houses* خانه‌های بادوام)

اصطلاحی هندی برای واحدهای مسکونی مستحکم و بادوام، که با مصالح ساختمانی مقاوم مانند سیمان، بتن، آجر، فولاد و چوب ساخته می‌شوند. این خانه ها برای مقاومت در برابر شرایط نامساعد جوی و بلایای طبیعی طراحی شده اند و معمولاً دارای پی مستحکم، لوله کشی مناسب و دسترسی به برق اند. خانه های بادوام در نظام آماري هند یک دسته بندی رسمی و مشخص مسکن، و الگوی استاندارد مسکن بلندمدت در شهرها، شهرکها و روستاها به شمار می‌آیند.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات تشکیل دهیم!



تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم

بهر روز فدایی



تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم

بخش دوم

تحولات اروپای غربی پس از فروپاشی بلوک شرق: بازسازی دولت رفاه یا چرخش نئولیبرالی؟

مقدمه

فروپاشی اتحاد شوروی و پایان نظام‌های موسوم به «سوسیالیسم واقعاً موجود» در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی و اقتصادی جهان بود. از میان رفتن رقیب ژئوپلیتیکی سرمایه‌داری نه تنها موازنه قدرت جهانی را تغییر داد، بلکه بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشورهای اروپای غربی نیز تأثیر عمیقی گذاشت. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از کشورهای اروپای غربی با اتکا به مدل دولت رفاه، نظام‌های گسترده تأمین اجتماعی، خدمات درمانی عمومی، آموزش رایگان، مسکن اجتماعی و حمایت از حقوق کارگران را توسعه داده بودند. اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد، روندی از اصلاحات اقتصادی و نهادی آغاز شد که بسیاری از پژوهشگران آن را «نئولیبرالی‌شدن» اقتصادهای اروپایی می‌نامند.

این تحولات در کشورهای اروپای غربی نظیر بریتانیا، فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند، اسپانیا و ایتالیا به اشکال مختلف بروز یافت و بر مناسبات کار، تأمین اجتماعی، مسکن، آموزش و ساختار طبقاتی اثر گذاشت.

تحول در بازار کار و حقوق کارگران ۱.

کاهش قدرت اتحادیه‌های کارگری

در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ اتحادیه‌های کارگری یکی از مهم‌ترین بازیگران اقتصادی و سیاسی اروپا بودند. اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد روندی تدریجی از کاهش نفوذ آنها آغاز شد.

مهم‌ترین عوامل عبارت بودند از



جهانی‌شدن تولید و انتقال صنایع به کشورهای دارای نیروی کار ارزان‌تر

گسترش قراردادهای موقت و انعطاف‌پذیر

رشد بخش خدمات به جای صنایع سنگین

خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی

در بریتانیا، روند محدودسازی اتحادیه‌ها از دوران دولت‌های محافظه‌کار دهه ۱۹۸۰ آغاز شده بود، اما در دهه‌های بعد نیز ادامه یافت. در آلمان و فرانسه نیز اگرچه اتحادیه‌ها همچنان نقش مهمی دارند، اما نرخ عضویت کارگران در آنها کاهش یافته است

گسترش اشتغال انعطاف‌پذیر

در اکثر کشورهای اروپای غربی

قراردادهای موقت افزایش یافت.

اشتغال پاره‌وقت گسترش پیدا کرد

کار پلتفرمی و پیمانکاری رشد کرد

امنیت شغلی کاهش یافت

اصلاحات موسوم به «هارتز» در آلمان در اوایل دهه ۲۰۰۰ نمونه‌ای برجسته از این روند بود. این اصلاحات بازار کار را انعطاف‌پذیرتر کرد، اما هم‌زمان موجب گسترش بخش کم‌دستمزد نیز شد

رکود دستمزدهای واقعی

اگرچه بهره‌وری اقتصادی در بسیاری از کشورهای اروپای غربی افزایش یافت، اما سهم نیروی کار از درآمد ملی در بسیاری از کشورها کاهش پیدا کرد. سهم بیشتری از درآمد به سود شرکت‌ها و درآمدهای سرمایه‌ای اختصاص یافت

اصلاحات تأمین اجتماعی و بازنشستگی ۲۰

بحران مالی دولت رفاه

افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ زاد و ولد، فشار شدیدی بر نظام‌های بازنشستگی اروپا وارد کرد

دولت‌ها برای کنترل هزینه‌ها اقدام‌ها زیر را انجام دادند

افزایش سن بازنشستگی



افزایش مدت پرداخت حق بیمه
کاهش مزایای بازنشستگی
تشویق صندوق‌های خصوصی بازنشستگی
افزایش سن بازنشستگی
در بسیاری از کشورهای اروپای غربی
آلمان سن بازنشستگی را به ۶۷ سال افزایش داد
فرانسه با اعتراضات گسترده اجتماعی سن بازنشستگی را افزایش داد
ایتالیا و اسپانیا نیز اصلاحات مشابهی انجام دادند
این تغییرات از دید دولت‌ها برای پایداری مالی ضروری بود، اما اتحادیه‌های کارگری آنها را کاهش حقوق
اجتماعی تاریخی کارگران تلقی کردند
محدودتر شدن مزایای بیکاری
بسیاری از دولت‌ها شرایط دریافت بیمه بیکاری را سخت‌تر کردند
سیاست‌های جدید بر
فعال‌سازی نیروی کار
آموزش مجدد
پذیرش سریع‌تر شغل
تأکید داشتند و از پرداخت‌های بلندمدت فاصله گرفتند
خصوصی‌سازی خدمات عمومی ۳.
حمل‌ونقل عمومی
بخش‌هایی از شبکه‌های حمل‌ونقل در کشورهای مختلف خصوصی یا نیمه‌خصوصی شدند
برای نمونه
راه‌آهن بریتانیا



بخشی از خدمات اتوبوسرانی و ریلی آلمان

خدمات منطقه‌ای در ایتالیا و اسپانیا

پیامدها دوگانه بود

افزایش بهره‌وری در برخی حوزه‌ها

افزایش هزینه خدمات برای مصرف‌کنندگان در برخی مناطق

خدمات پستی

بسیاری از شرکت‌های پست ملی اروپا به شرکت‌های سهامی تبدیل شدند

از جمله

پست آلمان

پست رویال

این شرکت‌ها به سمت منطق سودآوری و رقابت بازار حرکت کردند

انرژی و زیرساخت‌ها

بازارهای برق، گاز و مخابرات در بسیاری از کشورهای اروپای غربی آزاد سازی شدند و انحصار دولتی پایان یافت.

مسکن اجتماعی و بحران دسترسی به مسکن ۴.

کاهش ساخت مسکن عمومی

در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، دولت‌ها حجم گسترده‌ای از مسکن اجتماعی ایجاد کرده بودند

اما از دهه ۱۹۹۰

ساخت مسکن عمومی کاهش یافت.

بخشی از املاک دولتی فروخته شد.

سرمایه‌گذاری خصوصی جایگزین سرمایه‌گذاری عمومی گردید.

افزایش قیمت مسکن



در بسیاری از شهرهای اروپای غربی

لندن، پاریس، آمستردام، مادرید

قیمت مسکن بسیار سریع‌تر از رشد دستمزدها افزایش یافت

در نتیجه

مالکیت مسکن برای نسل جوان دشوارتر شد

اجاره‌نشینی افزایش یافت

سهم درآمد خانوارها برای مسکن رشد کرد

ظهور بحران مسکن

در دهه ۲۰۱۰ و به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸، کمبود مسکن مقرون‌به‌صرفه به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی اروپا تبدیل شد.

آموزش: از حق اجتماعی تا کالای رقابتی؟ ۵.

حفظ آموزش عمومی

برخلاف برخی حوزه‌ها، آموزش عمومی در بیشتر کشورهای اروپای غربی همچنان عمدتاً دولتی باقی ماند با این حال تغییراتی رخ داد

کاهش نسبی بودجه عمومی در برخی کشورها

رقابت بیشتر میان مؤسسات آموزشی

گسترش ارزیابی‌های مبتنی بر عملکرد

آموزش عالی

بعضی کشورها به سمت افزایش شهریه حرکت کردند.

نمونه مشهور در بریتانیا شهریه دانشگاه‌ها به شکل چشمگیری افزایش یافت. بصورتیکه اکثر فرزندان اقشار کم درآمد از آموزش عالی جا ماندند

اما در کشورهایمانند آلمان و فرانسه آموزش عالی همچنان تا حد زیادی با هزینه عمومی تأمین می‌شود نابرابری آموزشی



اگرچه دسترسی عمومی حفظ شد، اما تفاوت میان مدارس مناطق ثروتمند و فقیر افزایش یافت و بازتولید نابرابری طبقاتی در نظام آموزشی شدت گرفت

بهداشت و درمان ۶.

اصلاحات مبتنی بر بازار

اکثر کشورهای اروپای غربی نظام درمان عمومی را حفظ کردند، اما اصلاحاتی با منطق بازار انجام دادند

برون سپاری خدمات

خرید خدمت از بخش خصوصی

رقابت میان ارائه‌دهندگان درمان

پیامدها

حامیان این سیاست‌ها معتقدند

بهره‌وری افزایش یافت

زمان انتظار کاهش پیدا کرد

منتقدان معتقدند

منطق سود بر منطق سلامت غلبه کرده است

نابرابری در دسترسی افزایش یافته است

فشار بر کارکنان درمانی بیشتر شده است

نکته مهم آن است که برخلاف ایالات متحده، کشورهای اروپای غربی هرگز از اصل پوشش همگانی سلامت فاصله نگرفتند

تحولات طبقاتی ۷.

رشد نا برابری

از دهه ۱۹۹۰ تاکنون تقریباً در تمامی کشورهای اروپای غربی

ثروت در لایه‌های بالای جامعه متمرکزتر شده است

شکاف میان صاحبان دارایی و مزدبگیران افزایش یافته است



درآمد سرمایه سریع‌تر از درآمد کار رشد کرده است
کوچک‌شدن طبقه کارگر صنعتی
بخش بزرگی از صنایع تولیدی
به اروپای شرقی منتقل شد
یا به آسیا انتقال یافت
در نتیجه طبقه کارگر صنعتی سنتی کوچک‌تر شد
بخش خدمات گسترش یافت.
ظهور پرکاریات

جامعه‌شناسانی مانند از شکل‌گیری طبقه‌ای جدید به نام «پرکاریات» سخن گفته‌اند؛ گروهی متشکل از کارگران دارای مشاغل موقت، ناامن و فاقد حمایت‌های سنتی رفاهی جمع‌بندی

سه دهه پس از فروپاشی بلوک شرق، کشورهای اروپای غربی شاهد ترکیبی از تداوم و تغییر بوده‌اند. دولت رفاه به طور کامل از میان نرفته است؛ آموزش عمومی، بیمه درمانی همگانی و بخش بزرگی از نظام تأمین اجتماعی همچنان پابرجا هستند. با این حال، منطق بازار و رقابت بیش از گذشته وارد حوزه‌هایی شده که پیش‌تر عمدتاً تحت کنترل دولت قرار داشتند

نتیجه این روند را می‌توان در چند محور خلاصه کرد

افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار همراه با کاهش امنیت شغلی
افزایش سن بازنشستگی و محدود شدن برخی مزایای رفاهی
خصوصی‌سازی یا تجاری‌سازی بخشی از خدمات عمومی
تشدید بحران مسکن در بسیاری از شهرهای بزرگ
رشد نابرابری درآمدی و ثروتی

تضعیف نسبی قدرت چانه‌زنی طبقه کارگر و اتحادیه‌ها

بنابراین، اگر دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم را عصر گسترش دولت رفاه بدانیم، دوره پس از ۱۹۹۰ را می‌توان دوره «بازتنظیم دولت رفاه تحت فشار جهانی‌شدن، رقابت سرمایه و سیاست‌های بازارمحور»



توصیف کرد؛ فرآیندی که هنوز نیز در کشورهای اروپای غربی ادامه دارد و یکی از مهم‌ترین عرصه‌های منازعه سیاسی میان نیروهای چپ، سوسیال‌دموکرات، لیبرال و محافظه‌کار محسوب می‌شود

بهر روز فدائی - اول جون 2026

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!

لغو دستور رئیس‌جمهور توسط رئیس دستگاه اداری دولت

صادق



پاره‌ای خوشبینی‌ها که پس از وعده چند هفته پیش پزشک‌های مبنی بر رسمی کردن کارگران و کارکنان شرکتی بوجود آمده بود پس از صحبت‌های رئیس سازمان اداری و استخدامی دولت که گفت فقط ۱۰ درصد از نیروهای شرکتی تبدیل وضعیت خواهند شد رنگ باخت و ناامیدی و خشم جای خوشبینی اولیه را گرفت

. :روز ۱۴ خرداد

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگروه نمایندگان نیروهای شرکتی و ارکان ثالث سراسر کشور، در بیانیه‌ای، "نسبت به صحبت‌های رئیس سازمان اداری و استخدامی و تبدیل وضعیت فقط ده درصد از نیروهای شرکتی انتقاد کرد" توجه کنید بجای اعتراض و اعتصاب انتقاد کرد و با این اقدام به دولت سیگنال داد که این "تشکل" قصد ندارد عملی‌بیش از یک انتقاد بی‌ضرر بنماید تا خیال جناب رئیس را از این بابت آسوده کند.

متأسفانه همانطور که ما در نوشته‌ای که در (جنگ کارگری) چند هفته قبل بعد از فرمان رئیس‌جمهور در این ارتباط نوشته بودیم، پیشبینی ما درست از کار درآمد و معلوم شد، انجام چنین کاری با ماهیت و عملکرد و ظرفیت دولت پزشک‌های ناسازگار است و قضیه با اهداف دیگری طرح شده و قرار نیست به اجرا گذاشته شود



زیر پای هزاران هزار میلیارد سود مضاعف صاحبان شرکتهای پیمانکاری ذینفوذ در حکومت و صاحبان قدرت در میان است.

نامه " کارگروه نمایندگان نیروهای شرکتی و ارکان ثالث سراسر کشور" و انتقاد آنها از رئیس کارکنان دولت بابت امتناع از اجرای کامل دستور رئیس جمهورمتاسفانه در درون ساختار قدرت گوش شنوایی پیدا نخواهد کرد و ما بعید می دانیم که همان ۱۰ درصد وعده داده شده توسط رئیس سازمان اداری و استخدامی دولت عملی شود.

مقصود از وعده جناب رئیس نیز نه رسمی کردن آن ۱۰ درصد بلکه ایجاد تفرقه بین شرکتی هاست. بهر حال دیوار حاشای مقامات دولتی بسیا بلند است.

در وحله اول ممکن است این اظهارات به اختلافات درون سیستمی نظیر اختلاف میان رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری دولت که زیر دست ریاست جمهوری است عنوان شود. در آن صورت این سوال پیش می آید این چه مدیریتی است، که رئیس جمهور تصمیمی به این مهمی می گیرد ولی مدیریت زیر دستی او آن را لغو می کند؟

البته اعتراض نسبت به تصمیم رئیس دستگاه اداری دولت بیشتر از مورد ذکر شده است که بعضی از آنها نظیر هشدار، دبیر کارگروه پیگیری مطالبات کارکنان وزارت جهاد کشاورزی نیز روز گذشته منتشر شد.

در قسمتی از اعتراض هشدارگونه، یحیی عزیزی، دبیر کارگروه پیگیری مطالبات کارکنان وزارت جهاد کشاورزی او با اشاره به بحث تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی در وزارت جهاد کشاورزی پس از دستور رئیس جمهور درباره پیمانکاریها گفت: ما در میان ۶۰ هزار پرسنل وزارت کشاورزی، رقم قابل توجهی نیروی شرکتی داریم که بحث تبدیل وضعیت این افراد نیز جدی است. این نیروهای شرکتی دریافتی به مراتب کمتری نسبت به سایرین (به ویژه در شهرستانها) دریافت می کردند. ما انتظار داریم تبدیل وضعیت این "نیروها به شکل اصولی و عادلانه انجام شود

او در ادامه افزود حقوق این افراد با سابقه طولانی کار در وزارتخانه جهاد کشاورزی به اندازه حداقل دستمزد کارگران است و متوسط دریافتی شان در شرایطی که حداقل هزینه زندگی ۵۵ الی ۷۰ میلیون تومان است، ۲۲۰ میلیون تومان است

در واقع تبدیل وضعیت کارگران شرکتی باعث افزایش دستمزد و حقوق و مزایای نقدی و غیر نقدی آنها خواهد شد. این مهمترین انگیزه یک اعتراض متداوم ۲۰ ساله است که هنوز به نتیجه نرسیده است

دولت با حذف واسطه ها نه تنها زیان نمی بیند، بلکه می تواند مبلغی هم صرفه جویی کند. زیرا پول بی زحمتی که پیمانکاران و واسطه ها به جیب می زنند، بیشتر از مبلغی است که دولت مستقیما و بدون واسطه به کارگران و کارمندان شرکتی می دهد



دولت برای مرعوب کردن کارکنان شرکتی و دست کشیدن آنها از پیگیری مطالبات شان زمره اخراج شرکتی ها را در پیش گرفته است، حربه‌ای که متاسفانه در شرایط بیکاری گسترده می تواند موثر واقع شود. این موضوع یحیی عزیزی را نگران کرده است.

او می گوید: ما توصیه و پیشنهاد کردیم هیچ نیروی شرکتی در این مدت که تبدیل وضعیت‌ها انجام می‌گیرد، به بهانه کمبود بودجه یا سایر بهانه‌های فنی و پرسنلی، اخراج نشوند. همچنین توصیه کردیم که جایگزینی افراد جدید با افراد قدیمی و حرفه‌ای صورت نگیرد".

همانطور که خود این نماینده گفته است بیرون نکردن کارکنان شرکتی یک "توصه" است. ولی پیدا کردن مدیر و وزیری که برای توصیه زبردستان خود اهمیتی قائل باشد در حکومت اسلامی حکم کیمیا را دارد. هم از این رو کارکنان جهاد کشاورزی و سایر شرکتی ها بدون اینکه منتظر شروع اخراج شدن خود بمانند باید به فکر اقدامی جدی بیفتند. اخراجها در ایران ابتدا با شایعه شروع و پس از جا انداخته شدن از فعل به عمل در می آید. ای چه بسا فرمان رئیس جمهور هم با هدف پیدا کردن راهی برای اخراج عده‌ای از شرکتی ها به بهانه رسمی کردن آنان انجام گرفته باشد

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده و گسترده باد اتحاد و همبستگی کارگران!

**از تجمع‌های همبستگی اتحادیه‌های کارگری جهانی برای دفاع از حقوق کارگران ایران
در ژنو حمایت می‌کنیم**

[گروه کارگزاری حزب چپ ایران](#)



که از اول ژوئن شروع به کار کرده است، قرار (ILO) اجلاس یکصد و چهاردهم سالانه سازمان بین‌المللی کار است تا ۱۲ این ماه ادامه پیدا کند. یکی از موضوعات در دستور کار این اجلاس، بررسی وضعیت حقوق کار در کشورهای مختلف و رسیدگی به موارد نقض این حقوق در کشورهایی است که آن را نقض می‌کنند. ایران



یکی از این کشورهاست که از لحاظ نقض کنوانسیون‌ها و مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، و به‌ویژه مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ که مربوط به حق تشکل و قراردادهای دسته‌جمعی هستند، هیچ‌گاه آن‌ها را رعایت نکرده است. به همین دلیل در فهرست بدترین کشورهای ناقض این حقوق قرار دارد و نه تنها هیچ‌یک از مقاله‌نامه‌ها را رعایت نمی‌کند، بلکه فعالان سندیکایی را به‌خاطر تلاش برای فعالیت سندیکایی و حق تشکل، با زندانی کردن و اقدامات تنبیهی دیگر، نظیر اخراج از کار، به مجازات‌های سنگین محکوم و تحت فشار قرار می‌دهد و مانع از تشکیل سندیکا و هر نوع تشکل مستقل دیگر می‌شود.

به همین خاطر هر ساله، به‌هنگام برگزاری اجلاس سالانه این سازمان که با حضور نمایندگان اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت‌ها برگزار می‌شود، اعتراضاتی نیز از سوی تعدادی از اتحادیه‌های کارگری مستقل کشورهای مختلف، در اعتراض به رفتار دولت ایران در سرکوب حقوق سندیکایی کارگران ایران، با خواست پایان دادن به سرکوب و اخراج عوامل حکومتی به‌جای نمایندگان واقعی کارگران از اجلاس، انجام می‌گیرد.

سرکوب سندیکاها و شوراهای کارگری مستقل ۴۷ سال است که توسط حکومت ادامه دارد. به‌رغم اعتراضات و شکایات متعدد فعالان کارگری به نهادهای مختلف بین‌المللی و سازمان بین‌المللی کار، متأسفانه این سازمان جهانی وابسته به سازمان ملل نتوانسته است مقامات حکومت ایران را از نقض خشن و سیستماتیک مداوم حقوق سندیکایی و شهروندی کارگران و مزد و حقوق‌بگیران ایران بازدارد.

سال‌هاست که تعداد قابل‌توجهی از نمایندگان سازمان‌های سراسری کارگری فرانسه، نظیر ث.ژ.ت، و تعداد دیگری از اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف، به‌همراه شماری از فعالان کارگری و مدافعان حقوق کارگران ایران، با برگزاری تجمع‌های اعتراضی در هنگام برگزاری اجلاس سازمان بین‌المللی کار در ژنو حضور پیدا می‌کنند و خواهان فشار بر دولت ایران برای رعایت حق تشکل و مقاله‌نامه‌های این سازمان می‌شوند. ولی تا کنون هیچ اقدام مؤثری در این خصوص از سوی این سازمان به عمل نیامده است.

به همین جهت، حقوق و دستاوردهای مبارزاتی و تاریخی کارگران طی ۴۷ سال گذشته، در سایه استبداد و سرکوب اتحادیه‌های کارگری توسط حکومت و سرمایه‌داران، به‌یغما برده شده و بی‌حقوقی کامل، با زور، تهدید و ممانعت از تشکیل تشکل‌های سندیکایی مستقل، بر طبقه کارگر تحمیل گردیده و زندگی اکثریت کارگران و مزد و حقوق‌بگیران به زیر خط فقر سقوط کرده است.

در اثر جنگ و تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل و ایجاد فضای جنگی و امنیتی، از یک‌سو امکان اعتصاب و اعتراض محدود شده و از سوی دیگر تعرض به حقوق و معیشت طبقه کارگر و مزد و حقوق‌بگیران تشدید شده است. دو میلیون کارگر در اثر جنگ بیکار شده‌اند، میلیون‌ها نفر به جمعیت زیر خط فقر افزوده شده‌اند، دستمزدها در اثر تورم و سقوط ارزش پول ملی، به زحمت کفاف یک‌چهارم هزینه‌های زندگی را می‌دهد و در صورت ادامه جنگ، چشم‌انداز بهتری برای کارگران و مردم وجود ندارد. همچنین کارفرمایان از فرصت جنگ و استبداد برای کاهش دستمزدها بهره می‌برند و کارگران وسیله‌ای برای مقابله با از بین رفتن حقوق خود ندارند.



کسانی که به نام نمایندگان کارگر در ترکیب هیئت نمایندگی دولت ایران عازم کنفرانس سالانه سازمان بین‌المللی کار می‌شوند، نمایندگان واقعی و مستقل کارگران ایران نیستند. آنها دست‌نشانندگان و حامیان دولتمردان و سرمایه‌داران حاکم بر کشور و همان کسانی هستند که در سرکوب حقوق سندیکایی و اجتماعی کارگران با آنان همدست‌اند و به هیچ روی منافع و حقوق کارگران و مزدبگیران ایران را نمایندگی نمی‌کنند. حضور نمایندگان واقعی کارگران در اجلاس‌های ژنو مستلزم فشار سازمان بین‌المللی کار بر دولت ایران برای اجرای مقابله‌نامه‌های مربوط به حق تشکل و نظارت بر اجرای درست آنها در ایران است.

از همین رو، ما تقدیر و تشکر خود را از حضور و حمایت همواره سازمان‌های کارگری فرانسوی و سایر کشورهای که در ژنو در راه حقوق کارگران فداکارانه و از روی همبستگی تلاش می‌نمایند، و همچنین همه ایرانیانی که به همین منظور در مقابل مقر سازمان بین‌المللی کار حضور پیدا می‌کنند، ابراز داشته و برایشان آرزوی موفقیت در این تلاش انسانی می‌کنیم.

با این همه، ما بدون آنکه قصد کاستن از ارزش کار کسی را داشته باشیم، معتقدیم که امید بستن بیش از حد به اینکه سازمان بین‌المللی کار برای قبولاندن اجرای مقابله‌نامه‌های خود، آن‌چنان که تجربه همه سال‌های گذشته نشان داده است، اقدامی مؤثر انجام دهد، خوش‌بینانه است. کسب حقوق سندیکایی و اخراج هیئت نمایندگی حکومت، وظیفه خود کارگران و زحمتکشان ایران است و نقش سازمان بین‌المللی کار و حتی سازمان‌های کارگری می‌تواند جنبه کمکی داشته باشد. ایفای این نقش و حضور در اجلاس‌های این سازمان مستلزم سازمان‌یافتگی نیروی کار در ایران است، کمااینکه حضور سایر اتحادیه‌ها نیز به همین واسطه است. بنابراین، در کنار این‌گونه فعالیت‌ها باید کارگران ایران را تشویق و کمک کرد تا با بهره‌گیری از تجربیات سازمان‌یابی کارگران در کشورهای نظیر فرانسه که در این راه موفق شده‌اند، خود را متشکل کرده و بتوانند از حقوق خود دفاع نمایند.

زنده و استوار باد همبستگی جهانی کارگران
برقرار باد همبستگی، صلح، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در ایران
متحدانه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام زندان مبارزه کنیم

گروه کار کارگری حزب چپ ایران



تجاوز جنایتکاران اسرائیل به



معاون امنیتی و انتظامی استانداری خوزستان در ۱۹ خرداد از حمله اسرائیل به شرکت پتروشیمی کارون خبر داد و گفت: دقایقی پیش شرکت پتروشیمی کارون ماهشهر مورد تهاجم هوایی و اصابت پرتابه های اسرائیلی قرار گرفت و بخشی از آن آسیب دید.

در جنگ تحمیلی سوم پنج خط پتروشیمی در ماهشهر بر اثر اصابت پرتابه های دشمن خسارت دید.

سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در اطلاعیه ای اعلام کرد: بر اساس تصمیم فرماندهی ارشد پدافند غیرعامل و مدیریت بحران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، خروج اضطراری تمامی کارکنان روزکار از منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی اعلام شد.



تداوم اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شوش و هفت تپه و رشت

شعارهای تظاهر کنندگان در اعتراض یکشنبه ۱۸ خرداد

فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

خیابان سنگر است، مبارزه تا رسیدن به خواست ها، ادامه دارد

اقتصاد لیبرالی، مردم و برده به خاری

زیر بار ستم نمی کنیم زندگی جان فدا می کنیم در ره آزادگی، مرگ بر این بردگی، مرگ بر این بردگی

بازنشسته به پا خیز، برای رفع تبعیض

گرانی تورم بلای جان مردم

حقوق نصف و نیمه، سکوت کنی همینه

راهپیمایی و تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش. یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۵، علی رغم گرمای بالای ۴۵ درجه خوزستان

نابود باد بندگی، زنده باد زندگی



هفته اقدام مشترک؛ ۱۳ تا ۲۰ ژوئن در ۱۲ شهر اروپایی

نه به جنگ و جنگ‌طلبان — نه به اعدام — نه به جمهوری اسلامی — برای آزادی و برابری

شبح شوم جنگ، همراه با مذاکره، تهدید و تنش، همچنان بر فراز ایران و منطقه در گردش است. جامعه‌ای که پس از نزدیک به سه ماه قطعی اینترنت، تازه فرصت یافته تا ابعاد فاجعه را دریابد، اکنون با واقعیتی تلخ روبه‌روست: کشته‌شدگان، ویرانی‌های گسترده، خانه‌های از دست‌رفته و زندگی‌هایی که دیگر هرگز به روال گذشته بازخواهند گشت.

این جنگ خانمان‌سوز، کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ و کوچک را به ویرانه تبدیل کرده است. هزاران کارگر شغل خود را از دست داده‌اند؛ بخاطر اینکه محل کارشان زیر آوار جنگ نابود شده است. چرخ تولید از حرکت بازمانده و سفره‌های مردم هر روز کوچک‌تر شده است. قیمت‌ها نسبت به پیش از جنگ دو برابر شده‌اند و تورمی که حتی آمارهای رسمی نیز آن را حدود هفتاد درصد اعلام می‌کنند، زندگی را برای اکثریت مردم به کابوسی روزمره تبدیل کرده است. دارو کمیاب‌تر شده، بیماران بیشتری از دسترسی به درمان محروم مانده‌اند و فشار معیشتی بر دوش مردم سنگین‌تر از همیشه است.

اما پیامدهای جنگ تنها به ویرانی‌های اقتصادی و مادی محدود نمی‌شود. این جنگ ضربه‌ای سنگین بر جنبش‌های اعتراضی و مردمی نیز وارد کرده است. رژیمی که در برابر خیزش‌های مردمی به لرزه افتاده بود، در سایه جنگ فرصتی تازه برای بازسازی موقعیت متزلزل خود یافت. در این میان، کسانی که با شور و شوق از مداخله نظامی خارجی حمایت می‌کردند، عملاً به تضعیف اعتراضات مردمی یاری رساندند. آنان در خیابان‌های جهان به جشن و پایکوبی پرداختند، در حالی که مردم ایران زیستن زیر بمباران‌های ویرانگر، مرگ و نابودی را تجربه کردند.

از همین رو، صدای ما روشن، صریح و بی‌ابهام است

جنگ باید فوراً و به‌طور کامل متوقف شود

در همین حال، جمهوری اسلامی نیز بار دیگر به سلاح همیشگی خود متوسل شده است: سرکوب، بازداشت و اعدام. بیش از پنجاه هزار نفر بازداشت شده‌اند. زندان‌ها مملو از زندانی‌اند و بسیاری ناچارند به نوبت بخوابند. احکام اعدام یکی پس از دیگری صادر و روزانه اجرا می‌شوند، اعترافات اجباری گرفته می‌شود و خانواده‌های دادخواه نیز از بازداشت و فشارهای امنیتی در امان نمانده‌اند. فضای نظامی و امنیتی همچنان بر خیابان‌ها و عرصه عمومی سایه افکنده است.



با این همه، مبارزه و مقاومت ادامه دارد. زندانیان سیاسی در ۵۶ زندان کشور، هر سه‌شنبه در اعتراض به اعدام‌ها دست به اعتصاب غذا می‌زنند و اکنون بیش از ۱۲۲ هفته پیاپی از این حرکت اعتراضی گذشته است. این

خواهان آن هستیم که در کنار مردم ایران برای تحقق مطالبات زیر تلاش کنیم و پژواک صدای جنبش‌های اعتراضی آنان استمرار جلوه‌ای از اراده، ایستادگی و شکوه مقاومت است.

ما باشیم

اعدام لغو باید گردد

. زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زن، زندگی، آزادی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، دموکراسی، برابری

ما نهادها و کلکتیوهای چپ، دموکرات و فمینیست کوپیر (ال‌جی‌بی‌تی‌کیو+)، امضاکننده‌ی این فراخوان بر این باوریم که سرنوشت ایران نه موشک و بمباران، بلکه به دست جنبش‌های اجتماعی و مردمی رقم خواهد خورد که برای آزادی، برابری و عدالت مبارزه می‌کنند. از این‌رو، ما از ۱۳ تا ۲۰ ژوئن هفته‌ی اقدام مشترک در شهرهای مختلف اروپا برگزار می‌کنیم تا به سهم خویش پژواک صدای مردم ایران و مطالبات . برحق آنان باشیم

Rise.up-jina2023@gmail.com ایمیل تماس



بازداشت یاشار دارالشفا را محکوم می‌کنیم



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت یاشار دارالشفا، پژوهشگر و فعال در عرصه علوم اجتماعی و زندانی سیاسی پیشین، را که صبح روز دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۵ در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل پدریش در تهران صورت گرفته است، قویاً محکوم می‌کند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مأموران امنیتی بدون ارائه حکم قضایی، با ورود به منزل آقای دارالشفا، ضمن تفتیش خانه، وی را با اعمال خشونت بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل کرده‌اند. در زمان انتشار این اطلاعیه، از وضعیت و محل نگهداری ایشان اطلاعی در دست نیست و این موضوع موجب نگرانی جدی خانواده، دوستان و تمامی مدافعان آزادی و عدالت اجتماعی شده است.

یاشار دارالشفا طی سال‌های گذشته بارها به دلیل فعالیت‌های فکری، پژوهشی و اجتماعی خود تحت فشار، تعقیب، بازداشت و زندان قرار گرفته است. تداوم برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی، کارگری، مدنی، اجتماعی و سیاسی، نقض آشکار حقوق بنیادین شهروندان از جمله حق آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی تشکل و حق فعالیت مدنی و سیاسی است.

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن محکوم کردن این بازداشت، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط یاشار دارالشفا و همچنین آزادی تمامی فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، کنشگران مدنی و سیاسی و تمامی زندانیانی است که به دلیل فعالیت‌های اجتماعی و دفاع از حقوق انسانی، مدنی و اقتصادی تحت تعقیب، بازداشت و زندان قرار گرفته‌اند.

نه به جنگ و سیاست‌های جنگ طلبانه

نه به سرکوب و استبداد

به امید برقراری صلح و عدالت در ایران و سراسر جهان

چاره کارگران و زحمت‌کشان، وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد



شیوا عاملی‌راد، نماینده بین‌المللی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، در نشست گروه اتحادیه‌های کارگری ۱۱۴ همین کنفرانس بین‌المللی سازمان جهانی کار، ضمن محکوم کردن جنگ، بر ضرورت دفاع از حقوق معلمان، کارگران، فعالان صنفی و حقوق بنیادین مردم ایران تأکید کرد.



من به نمایندگی از شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران سخن می‌گویم.

مایلم سخنانم را با این تأکید آغاز کنم که ما جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران را به شدت محکوم می‌کنیم. این جنگ باید به‌طور دائمی پایان یابد.

همچنین لازم می‌دانم به نمایندگان حاضر در سازمان بین‌المللی کار یادآوری کنم که بسیاری از فعالان صنفی و کارگری که باید امروز در این کنفرانس حضور می‌داشتند، صرفاً به دلیل دفاع از حقوق بنیادین کارگران، در زندان به سر می‌برند یا تحت پیگرد و فشار قرار دارند.

نمی‌توان سرکوب فعالان صنفی و کنشگران جامعه مدنی در ایران را نادیده گرفت؛ مردم عادی، به‌ویژه کودکان و دانش‌آموزان، چه در جریان جنگ و چه در طول سال‌ها سرکوب در ایران، سنگین‌ترین هزینه‌ها را پرداخته‌اند.

در نخستین روز جنگ، بمباران آمریکا یک مدرسه ابتدایی در میناب را هدف قرار داد که دست‌کم ۱۲۰ کودک در آن جان باختند. تا امروز هیچ‌گونه پاسخگویی و مسئولیتی در قبال این فاجعه صورت نگرفته است. این جنگ در حالی آغاز شد که جامعه هنوز از پیامدهای سرکوب خشونت‌بار اعتراضات در اوایل سال جاری رهایی نیافته بود؛ سرکوبی که به کشته شدن ۲۵۰ کودک انجامید.

جنگ، فقر، ناامنی و دشواری‌های اقتصادی موجود را تشدید کرده است. حدود دو میلیون کارگر شغل خود را از دست داده‌اند؛ وضعیتی که به گسترش کار کودکان، افزایش ترک تحصیل و محرومیت شمار بیشتری از کودکان از حق آموزش منجر شده است.

این شورا با جنگ، مداخله نظامی، دیکتاتوری و سرکوب، در هر شکل و از سوی هر طرف، مخالف است. تغییر دموکراتیک واقعی تنها از طریق سازمان‌یابی مستقل و کنش جمعی مردم، از دل جامعه و از پایین به بالا، امکان‌پذیر است.

این شورا از نمایندگان حاضر در کنفرانس بین‌المللی کار می‌خواهد موضعی روشن علیه جنگ و علیه همه اشکال سرکوب داخلی اتخاذ کنند و از صلح، عدالت، آزادی، برابری، کرامت انسانی و حقوق معلمان و کارگران دفاع نمایند.

صلح و عدالت از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. بدون آن‌ها، هیچ حمایت معناداری از کارگران، کودکان و حقوق بنیادین بشر امکان‌پذیر نخواهد بود.





گزارش یک کارگر از دوبرابر شدن قیمت نان

صبح امروز یکی از همکاران برای خرید نان مراجعه کرده بود و متوجه شد قیمت نان بربری به ۶ هزار و ۷۵۰ تومان رسیده است. پس از پیگیری، فهرست جدید قیمت‌ها را دریافت کردیم. بر این اساس، قیمت نان لواش یارانه‌ای از هزار تومان به هزار و ۹۰۰ تومان افزایش یافته، سنگک از حدود ۴ هزار و ۵۰۰ تومان به ۸ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده و بربری نیز ۶ هزار و ۷۵۰ تومان قیمت‌گذاری شده است.

وی افزود: قیمت انواع دیگر نان نیز افزایش قابل توجهی داشته است. به طور کلی می‌توان گفت قیمت نان در برخی موارد نزدیک به ۱۰۰ درصد رشد داشته است. این افزایش در استان قزوین از امروز اعمال شده و طبق گفته‌ها، در سایر استان‌ها نیز در حال اجراست.

متحد و متشکل علیه سیاست‌های ریاضت‌کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>